

رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولاد شهر اهواز

دکتر علیرضا حیدرئی*
فرشته اقبال**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولاد شهر اهواز بود. نمونه شامل ۱۸۰ زوج (۹۰ زن کارمند و همسرشان، ۹۰ مرد کارمند و همسرشان) از جامعه مذکور بود که به صورت تصادفی مرحله ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه های تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی، صمیمیت و رضایت زناشویی (انریچ) استفاده شد. پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود و تحلیل داده ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیری انجام شد. نتایج تحلیل نشان داد که بین دشواری در تنظیم هیجانی و رضایت زناشویی زوجین و بین سبک دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی زوجین رابطه منفی معنی داری وجود دارد. و بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی زوجین رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. به علاوه بین سبک دلبستگی دوسوگرا و رضایت زناشویی رابطه معنی داری مشاهده نشد. و بین صمیمیت و رضایت زناشویی زوجین رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز حاکی از وجود رابطه چندگانه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی زوجین بود.

کلمات کلیدی: دشواری در تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی، صمیمیت، رضایت زناشویی

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

** دانش آموخته کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز (نویسنده مسئول)

این مقاله برگرفته از پایان نامه فرشته اقبال دانش آموخته رشته روانشناسی عمومی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز می باشد.

مقدمه

خانواده را موسسه یا نهاد اجتماعی معرفی کرده اند که ناشی از پیوند زناشویی زن و مرد است. از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل های سالم و سازنده میان انسان ها و برقرار بودن عشق به هم نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است. خانواده محل ارضای نیازهای مختلف جسمانی و عقلانی و عاطفی است و داشتن آگاهی از نیازهای زیستی و روانی و شناخت چگونگی ارضاء آنها و تجهیز شدن به تکنیک های شناخت تمایلات زیستی و روانی ضرورتی انکارناپذیر می باشد. رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به منزله رضایت وی از خانواده محسوب می شود و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی بوده و در نتیجه تسهیل در امر رشد و تعالی و پیشرفت مادی و معنوی جامعه خواهد شد (عدالتی و رذوان، ۲۰۱۰).

رضایت زناشویی یک ارزیابی کلی از وضعیت رابطه زناشویی یا رابطه عاشقانه کنونی فرد است. رضایت زناشویی می تواند انعکاسی از میزان شادی افراد از روابط زناشویی و یا ترکیبی از خشنود بودن بواسطه بسیاری از عوامل مختص رابطه زناشویی باشد. می توان رضایت زناشویی را بعنوان یک موقعیت روان شناختی در نظر گرفت که خود به خود به وجود نمی آید، بلکه مستلزم تلاش هر دو زوج است. بویژه در سال های اولیه، رضایت زناشویی بسیار بی ثبات است و روابط در معرض بیشترین خطر قرار دارند (احمدی، نبی پور، کیمیایی و افضلی، ۲۰۱۰).

رضایت زناشویی به شادی و لذت از روابط میان زوج ها مرتبط است. رضایت زناشویی به معنای داشتن احساس مطلوب از ازدواج است. کاپلان و مادوکس^۳ (۲۰۰۲) بیان می کنند که رضایت زناشویی یک تجربه شخصی در ازدواج است که تنها توسط خود فرد در پاسخ به میزان لذت رابطه زناشویی قابل ارزیابی است آنها باور دارند که رضایت زناشویی به انتظارات افراد بستگی دارد.

با توجه به اهمیت کارکرد متعادل خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن آن، شناخت عوامل مرتبط با رضایت زناشویی که پایه ی استحکام بخش زندگی خانوادگی است، ضروری به نظر می رسد. بنابراین در صورت توجه به عوامل موثر بر رضایت زناشویی می توان انتظار داشت که با افزایش سطح رضایت مندی زناشویی بسیاری از مشکلات روانی، عاطفی و اجتماعی خانواده ها و در کل جامعه کاهش یابد. همچنین با ارتقاء سطح رضامندی زناشویی و رضایت از زندگی، افراد جامعه با آرامش خاطر بیشتر به رشد و تعالی و خدمات اجتماعی فرهنگی و اقتصادی خواهند پرداخت و خانواده ها نیز از این پیشرفت سود خواهند برد (ثنایی، علاقبند و هومن، ۱۳۷۹).

زمانی که شخص دست به کاری می زند و متوجه می شود که این کار در راستای اهداف خویش بوده است، هیجانات به وجود می آیند (لازاروس^۴، ۱۹۹۱). با این وجود توانایی فرد در کنترل هیجاناتش یکی از مهم ترین قابلیت هاست که باید آموخته شود. تنظیم هیجانی^۵ بعنوان فرایند آغاز، حفظ، تعدیل

1. Adalate & Redzuan
2. Marital satisfaction
3. Kaplan & Maddux
4. Lazarus
5. emotion regulation

و یا تغییر در بروز، شدت یا استمرار احساس درونی و هیجان مرتبط با فرایند های اجتماعی _ روانی، فیزیکی در به انجام رساندن اهداف فرد تعریف می شود (ویمز و پینا^۱، ۲۰۱۰). در واقع تنظیم هیجانی تنها سرکوب هیجان ها نیست، بلکه شخص نباید همیشه در یک حالت آرام و ساکن از برانگیختگی هیجانی قرار داشته باشد. در عوض تنظیم هیجانی، شامل فرایند های نظارت و تغییر تجربیات هیجانی شخص است (تامپسون^۲، ۱۹۹۴). هیجانها دارای کیفیت بالایی هستند به این صورت که می توانند باعث واکنش مثبت یا منفی در افراد شوند. اگر متناسب با موقعیت و شرایط باشند باعث واکنش مثبت و در غیر این صورت باعث واکنش منفی می شود. بنابر این زمانی که هیجانها شدید می شوند یا طولانی می شوند و یا با شرایط سازگار نیستند آن زمان نیاز به تنظیم کردن آنها لازم است (گروس^۳، ۱۹۹۸).

هر کودکی که به دنیا می آید، اولین کسی را که بدو تولد مشاهده و لمس می کند مادر است. در واقع کودک در حالی دنیای بسته و امن جنینی را وداع می گویند که این امنیت از دست رفته را با آغوش پر مهر مادر جبران می کنند و این پایگاه سرشار از عاطفه، پایه گذار نخستین روان بنه های عاطفی و طرحواره های ارتباطی در نوزاد است که بی شک متضمن امنیت روانی _ عاطفی کودک در چندین سال اول زندگی او است و چه بسا اثرات طولانی مدت عواطف مادری گستره ی زندگی فرد را در بر می گیرد. از این رو بی لطف نخواهد بود که مادران را در درک این حقیقت کمک کرد که به واسطه این احساس عمیق که کودک به طور طبیعی و فطری نسبت به مادر دارد، می توانند تاثیر شگرفی در تامین رفاه و سلامت او داشته باشند و نیروی عظیمی بدین منظور به حساب می آیند (بالبی^۴، ۱۹۶۹). ویژگی های بهنجار و نابهنجار روابط بین شخصی به گونه ای عمیق از سبک دلبستگی اشخاص تاثیر می پذیرند. بنابر نتایج پژوهش ها، دلبستگی ایمن با ویژگی های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوح پایدارتری از صمیمیت و تعهد، دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دل مشغولی در مورد روابط توأم با خرسندی کم مرتبط است (فینی ونولر^۵، ۱۹۹۰).

صمیمیت به عنوان توانایی ارتباط با دیگران با حفظ فردیت تعریف می شود. اینگونه تعاریف مبتنی بر خویشتن حاکی از آن است که فرد به درجه ای از رشد فردی دست یابد تا بتواند با دیگران رابطه صمیمانه برقرار کند. صمیمیت را می توان به عنوان توانایی شناخت خود در حضور دیگران دانست که خود آگاهی و رشد هویت، برای ظرفیت قابلیت شخص در جهت صمیمیت، بسیار ضروری است. مفهوم پردازی رایج از صمیمیت، سطح نزدیکی به همسر، به اشتراک گذاری ارزش ها و ایده ها، فعالیت های مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتار های عاطفی نظیر نوازش کردن است. فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می کند قادر است خود را به شیوه مطلوب تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. رضایت زناشویی می تواند در زوج هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیشتر باشد یا به عبارتی، زوج هایی که صمیمیت

1. Vimz & Pina
2. Thompson
3. Gross
4. Bowlby
5. Feeny & Noller

بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود، داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند (پاتریک، سلز، گیوردانو و فولر اد^۱، ۲۰۰۷).

در ارتباط بین متغیرهای مذکور و رضایت زناشویی تحقیقات فراوانی صورت گرفته است. آسچر^۲ و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی رضایت زناشویی و رابطه آن با زبان هیجانی در مبتلایان به بیماری دمانس قشر قدامی گیجگاهی مغز (نفر ۱۵) و آلزایمر (نفر ۱۶) پرداختند. نتایج نشان داد زوجین دمانسی رضایت زناشویی کمتری نسبت به بیماران آلزایمری و زوجین کنترل کننده نشان دادند. همچنین بیماران دمانسی لغات منفی بیشتری نسبت به بیماران آلزایمری بکار گرفتند. سانگیو و هیوانگ^۳ (۲۰۰۹) به بررسی عوامل پیش بینی کننده رضایت زناشویی در پیشوایان روحانی کره ای و زنانشان در آمریکا پرداختند. عوامل انتخاب شده که موجب رضایت زناشویی به نظر می رسید: ارتباط، ابراز هیجان، رضایت جنسی و همچنین انجام دادن امور به کمک یکدیگر از جمله ی آنها بود. نمونه شامل ۸۵ روحانی به همراه همسرانشان بود. نتایج بدست آمده نشان داد که هر یک از افراد رضایت بالایی از رابطه زناشویی خود داشتند برای هر روحانی کره ای ابراز هیجان و انجام دادن امور به صورت گروهی عوامل اصلی رضایت زناشویی محسوب می شدند، و این در حالی است که تنها ابراز هیجان عامل اصلی رضایت همسرانشان محسوب می شد. دانهام^۴ (۲۰۰۸) در تحقیق خود به مطالعه دشواری در تنظیم هیجانی و تاثیر آن بر رضایت زناشویی و فرایند صمیمیت بر روی آمریکایی های آفریقایی تبار پرداخت. نمونه شامل ۲۶۴ فرد (۱۳۲ زوج متاهل) بود. نتایج نشان داد که هم در زنان و هم در مردان دشواری در تنظیم هیجانی با رضایت زناشویی و صمیمیت ایمن رابطه منفی داشت. همچنین نتایج حاکی از آن بود که صمیمیت ایمن، رضایت زناشویی و مهارت های هیجانی را میانجگری می کند. میرجیان و کوردوا^۵ (۲۰۰۷) رابطه میان مهارت های هیجانی، صمیمیت و رضایت زناشویی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که مهارت های هیجانی می تواند به طور پایا در روابط میان همسران و رضایت زناشویی موثر باشد. همچنین مهارت های هیجانی رابطه معنی داری با صمیمیت و رضایت زناشویی دارد. جی فام^۶ (۲۰۰۷) رابطه میان ابراز احساسات (هیجانان) در تعاملات زوجین و کیفیت ازدواج و پایداری آن را مورد بررسی قرار داد. محور مرکزی ابراز احساسات در تعاملات زوجین با یافته های ساده توسط چند داور رتبه دهنده مشخص شد. داوران با ارائه ۴۷ مبحث ازدواج، علاوه بر ۱۵ توصیف احساساتی، به کار خود مشغول شدند که از آن میان چهار احساس نسبت به دیگر احساسات پیشی داشت: خصومت، پریشانی، همدلی و مهربانی. این ۴ احساس به صورت همزمان نسبت به رضایت زناشویی علاوه بر پایداری ۵ ساله ازدواج زوجین همراه شد. کوردوا، کابی و وارن^۷ (۲۰۰۵) توانایی تشخیص و ابراز هیجان ها، صمیمیت

1. Patrick.Sells.Giordano&Tollerud
2. Ascher
3. Sangkyu & Heuikwang
4. Dunham
5. Mirgain &Cordova
6. Fam
7. Cordova, Cae & Warren

و رضایت زناشویی را مورد بررسی قرار دادند. نمونه شامل ۹۲ زوج متاهل بود. نتایج حاکی از آن بود که توانایی تشخیص و توانایی ابراز هیجان‌ها با سازگاری زناشویی خود و همسر مرتبط بود. بعلاوه رابطه میان مهارت های هیجانی و رضایت زناشویی توسط صمیمیت تعدیل شد. لایوی و بن آری (۲۰۰۴) به بررسی ارتباط میان ابراز هیجان و روان رنجور خوبی با کیفیت روابط زناشویی پرداختند. اطلاعات از ۱۹۷ زوج جمع آوری شد. زن‌ها نسبت به شوهران عملکرد بیشتری در ابراز هیجان نشان دادند، اما هیچ یک از آنها در کیفیت روابط زناشویی موثر نبودند. رضایت زنان از زندگی زناشویی با ابراز احساسات همسرانشان وابسته بود. ولی بر خلاف آن رضایت شوهرانشان به هیچ یک از ابراز احساسات خود یا همسر وابسته نبود. در پژوهشی دیگر یلسما و شریلان (۲۰۰۳) دشواری در تنظیم هیجانی و رضایت زناشویی را در ۶۶ زوج مورد مطالعه قرار دادند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که هم در زنان و هم در مردان دشواری در تنظیم هیجانی با رضایت زناشویی رابطه منفی داشت. لویز و سالووی (۲۰۰۳) به بررسی تنظیم هیجانی در روابط عاشقانه پرداختند. در نمونه گیری از ۷۶ دانشجو توانایی های کنترل هیجانی به همراه گزارش شخصی و حساسیت فردی همسالان علاوه بر گرایشات فردی مورد استفاده قرار گرفت. مقایسه ای میان نامگذاری حالات مثبت و منفی به صورت روابط دوستانه به اجرا درآمد. این روابط پس از کنترل ۵ ویژگی شخصیتی مورد توجه قرار گرفتند. گروس و باتلر (۲۰۰۳) در رابطه با تنظیم هیجانی تحقیق کردند. آنها می گویند مردم معمولاً احساسات بر خاسته از جری بحث های اجتماعی را کنترل می کنند. برخی از راه های مرسوم، ارزیابی شناختی و بازداری احساساتی است. به گفته محقق، ما در هنگام برخورد های اجتماعی می بایست الف) افزایش حافظه، جهت یاد آوری از گفته را داشت در حالی که در حالت دوم ب) کاهش حافظه، جهت فراموش کردن گفته ها را باید افزایش دهیم و در آخر ج) افزایش حافظه جهت ابراز احساسات بسیار ضروری است. بلو، براندو، براون و راگسدال (۲۰۰۸) تاثیر سبک های دلبستگی و تعهد را بر رضایت زناشویی مورد مطالعه قرار دادند. نمونه تحقیق در برگیرنده ۱۹۱ زوجی بود که ازدواج مجدد داشتند. نتایج حاکی از آن بود که سبک های دلبستگی و تعهد بر رضایت زناشویی تاثیر مثبتی داشت. لمنز، بایس، هین، ایسلر و دمیتار (۲۰۰۷) در مطالعه ای به بررسی رضایت زناشویی، سبک های دلبستگی و مشکلات ارتباطی در زوج های افسرده و زوج های سالم پرداختند. نمونه در برگیرنده ۷۷ زوج مراجعه کننده به کلینیک های روان درمانی و ۷۷ زوج سالم (مشابه از نظر سن و جنسیت) بود. نتایج نشان داد زوج های افسرده نسبت به زوج های سالم دارای مشکلات دلبستگی، ارتباطی و رضایت زناشویی پایین تر بودند از سوی دیگر زوج های سالم رضایت زناشویی بالاتر سبک های دلبستگی ایمن و مشکلات ارتباطی پایی تر را گزارش کردند. بلو، براندو و راگسدال (۲۰۰۷) تأثیر سبک های دلبستگی و رابطه چند متغیر (تبادل فردی و تبادل اجتماعی) در

1. Lavee & ben ari
2. Yelsma & Sherilyn
3. Lopes & Salovey
4. Gross & Butler
5. Bello, Brandau, Brown, Ragsdale.
6. Lemmens, Buysse, Heene, Eisler & Demyttenaere

توصیف پیام های اصلاح پذیر را بررسی کردند. ۱۹۱ نفر شرکت کننده (که مجدداً ازدواج کرده بودند) پاسخ نامه ها را تکمیل نمودند و از این طریق سطح رضایت زناشویی آن ها، سبک دلبستگی آن ها، سطوح تعهد و انسجام اجتماعی آن ها و تفاسیر آن ها از پیام های اصلاح پذیر، تفاوت آن ها در سطح مبهم گویی، از همسران شان ارزیابی شد. نتایج نشان دادند که رابطه بین متغیرها (فردی و اجتماعی) و هم چنین سبک های دلبستگی به طور مثبت در ارزیابی پیام های اصلاح پذیر تأثیر دارند. چارنیا، رحمت اله^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی به بررسی رابطه بین شخصیت های زوجین با رضایت زناشویی پرداختند. هدف اصلی از این پژوهش بررسی همزمان سیزده ویژگی شخصیتی بعنوان پیش بینی کننده های رضایت زناشویی بود. نتایج رابطه بین رضایت زناشویی با ویژگی باز بودن نسبت به تجربه (-)، وجدانی بودن (+)، توافق (+)، دلبستگی اضطرابی (-)، جاذبه اجتماعی (+)، جنسیت اجتماعی (-)، برون گرایی (-)، نشان دادند، نتایج این پژوهش اهمیت ویژگی های شخصیتی در رضایت زناشویی را نشان می دهد. کریستینا ام، فیلیپهاوانگ، برژی تاویکبرگ^۲ (۲۰۰۶) دلبستگی عاشقانه، رضایت زناشویی و رضایت والدینی را مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق، رابطه ی بین سبک های دلبستگی و روابط بین زوجین بعد از تبدیل شدن به پدر و مادری در ۲۵۱ نفر (۱۲۸ مادر و ۱۲۳ پدر) بررسی شد. سبک های دلبستگی به کمک مقیاس روابط نزدیک و روابط زوجین به وسیله مقیاس سازگاری زوجین برای هر عضو بررسی شدند. ارزیابی نتایج نشان می دهند که پدران و مادرانی که دفعه ی اول والدین شدند امتیازات بالایی در دلبستگی نایمن داشتند. مادران و پدران دفعه ی دوم در دلبستگی اجتنابی امتیازات بیشتری داشتند و در روابط همسری خود کمتر خوشحال بودند. سبک های دلبستگی به طور قابل ملاحظه ای عدم رضایت در روابط زوجین را برای والدین دفعه ی دوم نشان دادند. حاصلی و جامی^۳ (۲۰۰۶) رابطه بین دینداری و سبک دلبستگی عاشقانه را با رضایت زناشویی در بین زوج های تازه ازدواج کرده بررسی نمودند. نمونه شامل ۹۲ زوج بدون فرزند که بین ۱ تا ۵ سال از ازدواج آنان گذشته بود. نتایج نشان می دهند که زوج های با تعهد مذهبی یکسان، رضایت زناشویی بیشتری نسبت به زوج های با اختلافات زیاد در تعهد مذهبی دارند. تعهد مذهبی، رابطه ی بین دلبستگی و رضایت زناشویی را متعادل می کند. پیلاک، آرنلد، لوتیجن^۴ (۲۰۰۵) درباره نظریه دلبستگی پیش بینی می کند که تجربیات اولیه مراقبان بر کیفیت روابط بعدی (عاشقانه) افراد و در نتیجه سلامتی روان آن ها اثر می گذارد. تحقیق حاضر نقش صمیمیت را در رابطه عاشقانه کنونی به عنوان واسطه احتمالی رابطه بین دلبستگی فرد بالغ و درماندگی روان شناختی در یک نمونه بالینی و اجتماعی بررسی کرد. نتایج مشخص کردند که دلبستگی ایمن به طور مثبت و دلبستگی نایمن به طور منفی با صمیمیت در رابطه عاشقانه کنونی ارتباط داشت. ارتباط معکوسی برای دلبستگی نایمن وجود داشت. تحلیل ها مشخص کرد که صمیمیت در رابطه رایج صرفاً رابطه میان دلبستگی و درماندگی روان شناختی را به تعادل می رساند. بشارت^۵ (۲۰۰۳) در مطالعه ای

1. Charnia & Rehmatullah
2. Kristiina, Philip Hwang & Birgitta Wickberg
3. Haseley, Jamie
4. Bpielage, Arrindell & Luteijn
5. Besharat

نشان داد که زوج هایی که دلبستگی ایمن داشتند، وابستگی، اعتماد، تعهد و رضایت زناشویی بیشتری داشتند و زوج هایی که دارای سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا بودند مشکلات بیشتری در روابط زناشویی خود داشتند.

ایکرت^۱ (۲۰۰۹) تحقیقی تحت عنوان بررسی صمیمیت، انرژی روانی (لیبیدو)، نشانه های افسردگی و رضایت زناشویی در زوج ها پس از زایمان انجام داد. نتایج حاکی از آن بود که مردان انرژی روانی بالاتری را نسبت به زنان نشان دادند. در حالی که میزان انرژی روانی رابطه مثبتی با رضایت زناشویی در هر دو جنس داشت، صمیمیت هیجانی بالا می تواند تاثیر منفی انرژی روانی پایین را بر رضایت زناشویی کم کند. بردن، فیسچر و نیهاس^۲ (۲۰۰۹) تحقیقی را تحت عنوان پیش بینی رضایت زناشویی در ابتدای رابطه زناشویی و تغییرات بعدی در صمیمیت هیجانی در طی ۲۵ سال مطالعه طولی انجام دادند. نمونه (۱۴۴) نفر از دانشجویان بود که در ۵ مرحله از یک دوره ۲۵ ساله، مشخص شد که سطوح بالاتر صمیمیت هیجانی اولیه و تغییر در صمیمیت هیجانی در طول ۸ سال اول، رضایت زناشویی را پیش بینی می کند. به طور میانگین، زنان صمیمیت هیجانی بالاتری را نسبت به مردان در مرحله اول گزارش کردند، نه تغییر در وضعیت زناشویی و نه جنسیت رابطه میان صمیمیت هیجانی به رضایت زناشویی را در مرحله پنجم تعدیل نکرد. سیمونلی^۳ و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی تاثیر سنگینی بار مسئولیت بر روی صمیمیت جنسی و رضایت زناشویی در زوج های آلتزایمر را مورد بررسی قرار دادند. نمونه شامل ۱۰۰ نفر شرکت کننده دارای همسر مبتلا به آلتزایمر (۳۳ مرد و ۶۷ زن) با دامنه سنی ۵۵ تا ۸۵ سال را مورد مطالعه قرار دادند. یافته ها نشان داد که میانگین مسئولیت $(sd=19/51)$ ۳۱/۵۹ بود. میان گروه در خصوص رضایت زناشویی و صمیمیت عاطفی و جنسی تفاوت وجود داشت. پاتریک، سلز، گیردانو و تول رود^۴ (۲۰۰۷) نیز در مطالعه ای دیگر به بررسی رابطه میان صمیمیت، تمایز از خود، متغیر های شخصیتی با رضایت زناشویی پرداختند. نمونه تحقیق در بر گیرنده ۱۲۴ زوج کارمند می باشد. نتایج حاکی از آن بود که رابطه مثبت معنی دار میان صمیمیت و رضایت زناشویی وجود دارد. اما رابطه ای میان تمایز از خود و رضایت زناشویی یافت نشد. همچنین رابطه معنی داری میان متغیر های شخصیتی و رضایت زناشویی بدست آمد. مارتین و اشبای^۵ (۲۰۰۴) تحقیقی را تحت عنوان کمال گرایی و ترس از صمیمیت در زمینه رضایت زناشویی انجام دادند که نتایج حاکی از آن بود که کمال گرایان ناسازگار نسبت به غیر کمال گرایان، به طور معنی داری ترس بیشتری را از صمیمیت در روابط زناشویی از خود نشان دادند. همچنین نتایج حاکی از رابطه چند گانه میان کمال گرایی، صمیمیت و رضایت زناشویی بود. گریف و مال هرب^۶ (۲۰۰۱) رابطه میان صمیمیت و رضایت زناشویی در همسران که در دو مرحله

1. Eckert
2. Borden, Fischer & Niehuis
3. Simonelli
4. Patrick, Sells, Giordano & Tollerud
5. Differentiation of self
6. Martin & Ashby
7. Greeff & Malherbe

متفاوت از چرخه زندگی خانوادگی قرار داشتند مورد بررسی قرار دادند. نمونه بر روی ۵۷ زوج به اجرا درآمد. آنان دریافتند که تفاوت معنی داری میان زنان و مردان در دو مورد از پنج جنبه صمیمیت تجربه شده (جنسی و تفریحی) و همچنین ناهمخوانی جنسی و اجتماعی (تفاوت میان صمیمیت تجربه شده و صمیمیت دلخواه) یافت شد. به استثنای صمیمیت اجتماعی تجربه شده توسط زنان، رابطه مثبتی برای هر دو جنس بین تمامی مولفه های صمیمیت تجربه شده و رضایت زناشویی بدست آمد. هیچ گونه تفاوتی از نظر جنسیت تجربه شده و رضایت زناشویی در ارتباط با مراحل تحول خانواده بدست نیامد. ساندرسون و کانتور (۲۰۰۱، نقل از باقری، ۱۳۸۸) در مطالعه ای به بررسی رابطه میان صمیمیت، رضایت زناشویی الگوهای تعاملات زناشویی مانند حمایت اجتماعی پرداخت. نمونه تحقیق کانتور دربرگیرنده ۴۴ زوج بود. نتایج نشان داد که رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی داری با میزان صمیمیت در هر دو زوج دارد. همچنین یافته ها حاکی از آن بود که برداشت همسران از صمیمیت واسطه رضایت زناشویی است. با توجه به مطالب ارائه شده پژوهشگر در پی پاسخ به این سوال است که آیا بین دشواری در تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولاد شهر اهواز رابطه وجود دارد؟

فرضیه های پژوهش

- ۱- بین دشواری در تنظیم هیجانی و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین سبک دلبستگی دوسوگرا و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین سبک دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین صمیمیت و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۶- بین دشواری در تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی رابطه چند گانه وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوجین (زن و مرد) شرکت صنایع فولاد شهر اهواز بودند. نمونه این تحقیق مشتمل بر ۱۸۰ زوج (۹۰ مرد کارمند و همسرشان ۹۰ زن کارمند و همسرشان) از جامعه مذکور بود که برای انتخاب آنها از روش نمونه گیری تصادفی مرحله ای استفاده شد. بدین صورت که از بین قسمت های اداری مختلف، مثلاً آزمایشگاه ها، تولید و..... چهار بخش انتخاب شدند و از بین بخش های انتخاب شده به صورت تصادفی آزمودنی ها انتخاب شدند. برای تعیین نمونه طبق جدول مورگان (۱۹۷۴): در یک جامعه آماری به تعداد ۴۰۰۰ نفری (پرسنل رسمی صنایع فولاد) ۳۵۲ نفر استفاده می شود. در پژوهش حاضر به منظور بالا بردن کیفیت تحقیق نمونه ۳۶۰ نفر از ۹۰ زن کارمند

و همسرشان و ۹۰ مرد کارمند و همسرشان) انتخاب گردید.

ابزارهای پژوهش

۱- مقیاس سنجش رضایت از زندگی زناشویی اینریچ^۱: این پرسشنامه توسط اولسون، فورنیرو و درانکمن^۲ (نقل از ثنایی، ۱۳۷۹) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۴۷ سوال است. این پرسشنامه در ایران توسط سلیمانیان (۱۳۷۳) به صورت فرم کوتاه ساخته شده است. درجه بندی سوالات به صورت کاملاً موافق تا کاملاً مخالف در ۵ درجه تنظیم شده که امتیاز ۱ تا ۵ به آن ها داده می شود که در دسته ای از سوالات کاملاً موافق دارای ۵ می باشد و در بقیه سوالات به صورت عکس امتیاز داده می شود. در این پرسشنامه حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۴۷ و ۲۳۵ می باشند. السون (۱۹۸۹) اعتبار فرم ۴۷ سوالی را با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش کرده اند. در کشور ما اولین بار سلیمانیان (۱۳۷۳) همبستگی درونی آزمون را برای فرم بلند ۰/۹۳ و برای فرم کوتاه ۰/۹۵، محاسبه و گزارش کرده است. وضریب آلفا در فرم ۴۷ سوالی پژوهش سلیمانیان (۱۳۷۳) ۰/۹۵ به دست آمده است. حیدری ارجلو (۱۳۸۷) برای اعتبار یابی پرسشنامه رضایت زناشویی آن را با نمرات استرس همبسته کرد و یک رابطه منفی معنی دار ($r = -0.30$) در سطح ($P < 0.001$) به دست آورد. همچنین برای تعیین پایایی پرسشنامه رضایت زناشویی از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده کرد که برای کل پرسشنامه به ترتیب برابر ۰/۹۵ و ۰/۹۵ به دست آمد. در تحقیق حاضر ضرایب پایایی مقیاس رضایت زناشویی با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف محاسبه گردید که به ترتیب برابر با ۰/۹۲ و ۰/۸۸ می باشد. که بیانگر ضرایب پایایی مطلوب پرسشنامه مذکور است.

۲- پرسشنامه تنظیم هیجانی: این پرسشنامه توسط درس گراتز^۳ (۲۰۰۴، نقل از امینیان، ۱۳۸۸) ساخته شده است. این پرسشنامه ۳۶ آیتمی چند بعدی خود گزارشی است که الگوهای تنظیم هیجانی افراد را مورد ارزیابی قرار میدهد. گراتز اعتبار این پرسشنامه را ۰/۹۳ و پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ گزارش کرده است. در پژوهش امینیان پایایی آن با دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف محاسبه شد که به ترتیب برابر ۰/۸۶ و ۰/۸۰، که بیانگر ضرایب قابل قبول پرسشنامه تنظیم هیجانی بود. و برای اعتبار پرسشنامه تنظیم هیجانی، نمره آن با نمره پرسشنامه هیجان خواهی ذاکرمن^۴ همبسته شد و مشخص شد همبستگی مثبت معنی داری بین آنها وجود دارد که بیانگر بر خورداری پرسشنامه تنظیم هیجانی از اعتبار لازم بود. ($n = 59$ و $r = 0.26$, $P < 0.43$). در پژوهش حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه تنظیم هیجانی از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده شد که به ترتیب برابر با ۰/۹۱ و ۰/۸۵ بود که بیانگر ضرایب پایایی قابل قبول پرسشنامه مذکور بود.

۳- پرسشنامه سبک های دلبستگی: این پرسشنامه توسط سیمپسون^۵ (۱۹۹۰) ساخته شده است. این

1. Enrich
2. Olson, Forniro & Drankman
3. Gratz
4. Zakerman
5. Simpson

آزمون شامل ۱۳ جمله است که از این ۱۳ جمله ۵ جمله برای ارزیابی سبک دلبستگی ایمن و ۸ جمله برای ارزیابی دو سبک دلبستگی اجتناب و دوسوگرا است. عباسی سرچشمه (۱۳۸۴) اعتبار این آزمون را به این شکل به دست آورد که سوال ها را با نمره های سبک های دلبستگی مورد نظر همبسته شدند که ضریب همبستگی آن ۰/۵۹ بود که در سطح $p < 0/01$ معنی دار بود. پایایی این پرسشنامه بر حسب آلفای کرونباخ و تنصیف ۰/۷۰ و ۰/۶۲ بدست آمد. در در پژوهش حاضر نیز ضرایب پایایی پرسشنامه مذکور با استفاده از روش کرونباخ و تنصیف محاسبه گردید که به ترتیب ۰/۵۲ و ۰/۴۶ می باشد.

۴- مقیاس صمیمیت: این پرسشنامه در سال ۱۹۸۳ توسط واکر و تامپسون^۱ (به نقل از باقری، ۱۳۸۸) تهیه شده که دارای ۱۷ ماده است و برای سنجش مهر و صمیمیت تدوین شده است. نمره آزمودنی در مقیاس صمیمیت از طریق جمع نمرات سوالات و تقسیم آن بر عدد ۱۷ حاصل می شود. دامنه این نمرات بین ۱ تا ۱۷ است که نمره ی بالاتر نشانه ی صمیمیت است. هر چه نمره فرد در این مقیاس بیشتر باشد، صمیمیت بالاتری را تجربه می کند. پایایی این پرسشنامه را ۰/۹۱ گزارش کردند. این مقیاس توسط ثنائی (۱۳۷۹) ترجمه و مورد بررسی قرار داده شده است. محاسبه ضریب پایایی با حذف تک تک سوالات نشان داد که حذف هیچ یک از سوال ها تاثیر محسوسی در ضریب پایایی ندارد (اعتمادی، ۱۳۸۴). ثنائی ضریب پایایی این پرسشنامه را بر اساس داده های ۱۰۰ زوج اصفهانی ۰/۹۶ به دست آورد. نعیم (۱۳۸۷) برای تعیین ضرایب پایایی پرسشنامه صمیمیت از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده کرد که به ترتیب برابر ۰/۹۶ و ۰/۹۶ به دست آمده است. در تحقیق حاضر، ضرایب پایایی پرسشنامه صمیمیت با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف محاسبه گردید که به ترتیب ۰/۹۶ و ۰/۹۵ می باشد که بیانگر ضرایب پایایی مطلوب پرسشنامه یاد شده است.

طرح پژوهش

این پژوهش از نوع همبستگی می باشد. در این نوع پژوهش، محقق در پی بررسی شدت و جهت رابطه میان متغیر های تحقیق است. به طور کلی رویدادها و عوامل گوناگونی می توانند بر رضایت زناشویی تاثیر بگذارند، لیکن در پژوهش حاضر محقق در صدد بررسی رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی و صمیمیت بارضایت زناشویی در زوجین صنایع فولاد شهر اهواز می باشد. یافته های توصیفی:

یافته های توصیفی این پژوهش شامل شاخص های آماری مانند میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر برای کلیه متغیر های مورد مطالعه در این پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره آزمودنی ها در متغیر های تحقیق مربوط به کل نمونه و تفکیک جنسیت

تعداد	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	شاخص های آماری آزمودنی ها		متغیر
					زوجین	زنان	
۱۸۰	۱۳۱	۴۴	۱۷/۰۹	۸۵/۱۲	زوجین	زوجین	دشواری تنظیم هیجانی
۱۸۰	۱۳۶	۳۹	۲۱/۷۲	۸۶/۹۸	زنان	زنان	
۱۸۰	۱۳۷	۴۴	۱۸/۸۲	۸۳/۲۶	مردان	مردان	
۱۸۰	۲۵	۵	۳/۱۰	۱۷/۵۹	زوجین	زوجین	سبک دلبستگی ایمن
۱۸۰	۲۵	۵	۴/۱۸	۱۷/۴۷	زنان	زنان	
۱۸۰	۲۵	۵	۳/۳۵	۱۷/۷۷	مردان	مردان	
۱۸۰	۱۹	۴	۲/۵۷	۱۲/۶۸	زوجین	زوجین	سبک دلبستگی دوسوگرا
۱۸۰	۲۰	۴	۳/۳۶	۱۲/۷۲	زنان	زنان	
۱۸۰	۲۰	۴	۲/۹۴	۱۲/۶۴	مردان	مردان	
۱۸۰	۱۵	۴	۲/۵۲	۹/۵۵	زوجین	زوجین	سبک دلبستگی اجتنابی
۱۸۰	۱۷	۴	۲/۴۰	۹/۶۹	زنان	زنان	
۱۸۰	۲۰	۴	۲/۹۰	۹/۴۳	مردان	مردان	
۱۸۰	۱۱۹	۱۷	۱۷/۰۶	۱۰۱/۸۱	زوجین	زوجین	صمیمیت
۱۸۰	۱۱۹	۱۷	۲۰/۲۵	۱۰۰/۲۵	زنان	زنان	
۱۸۰	۱۱۹	۱۷	۱۷/۷۰	۱۰۳/۳۴	مردان	مردان	
۱۸۰	۲۱۸	۹۶	۲۲/۵۳	۱۶۸/۷۹	زوجین	زوجین	رضایت زناشویی
۱۸۰	۲۲۰	۷۵	۲۷/۲۷	۱۶۵/۷۳	زنان	زنان	
۱۸۰	۲۲۰	۹۵	۲۲/۷۸	۱۷۱/۸۶	مردان	مردان	

همان طوری که در جدول ۱ مشاهده می شود در متغیر دشواری تنظیم هیجانی میانگین و انحراف معیار، به ترتیب برای کل زوجین ۸۵/۱۲ و ۱۷/۰۹، زنان ۸۶/۹۸ و ۲۱/۷۲، مردان ۸۳/۲۶ و ۱۸/۸۲، در متغیر سبک دلبستگی ایمن، کل زوجین ۱۷/۵۹ و ۳/۱۱، زنان ۱۷/۴۷ و ۴/۱۸، مردان ۱۷/۷۷ و ۳/۳۵، در متغیر سبک دلبستگی دوسوگرا، کل زوجین ۱۲/۶۸ و ۲/۵۷، زنان ۱۲/۷۲ و ۳/۳۶، مردان ۱۲/۶۴ و ۲/۹۴، در متغیر سبک دلبستگی اجتنابی، کل زوجین ۹/۵۵ و ۲/۵۲، زنان ۹/۶۹ و ۲/۴۰، مردان ۹/۴۳ و ۲/۹۰، در متغیر صمیمیت، کل زوجین ۱۰۱/۸۱ و ۱۷/۰۶، زنان ۱۰۰/۲۵ و ۲۰/۲۵، مردان ۱۰۳/۳۴ و ۱۷/۷۰ و میانگین و انحراف معیار، متغیر رضایت زناشویی به ترتیب برای کل زوجین ۱۶۸/۷۹ و ۲۲/۵۳، زنان ۱۶۵/۷۳ و ۲۷/۲۴ و مردان ۱۷۱/۸۶ و ۲۲/۷۸ می باشد.

یافته های مربوط به فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: بین دشواری در تنظیم هیجانی و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.

جدول ۲. ضرایب همبستگی ساده بین دشواری در تنظیم هیجانی و رضایت زناشویی

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	شاخص آماری آزمودنی ها	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (p)	تعداد نمونه (n)
دشواری در تنظیم هیجانی	رضایت زناشویی	زوجین	-۰/۳۶	<۰/۰۰۱	۱۸۰
		زنان	-۰/۲۵	<۰/۰۰۱	۱۸۰
		مردان	-۰/۳۹	<۰/۰۰۱	۱۸۰

همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می شود بین دشواری در تنظیم هیجانی و رضایت زناشویی زوجین رابطه منفی معنی داری مشاهده می شود ($r = -0/36$ و $p < 0/001$). بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می گردد. فرضیه دوم: بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی زوجین رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳. ضرایب همبستگی ساده بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی زوجین

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	شاخص آماری آزمودنی ها	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (p)	تعداد نمونه (n)
سبک دلبستگی ایمن	رضایت زناشویی	زوجین	۰/۲۰	۰/۰۰۶	۱۸۰
		زنان	۰/۱۱	۰/۱۴۹	۱۸۰
		مردان	۰/۲۱	۰/۰۰۴	۱۸۰

همان طوری که در جدول ۳ نشان داده شده است بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی زوجین رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ($r = 0/20$ و $p < 0/006$). بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید می گردد.

فرضیه سوم: بین سبک دلبستگی دوسوگرا و رضایت زناشویی زوجین رابطه وجود دارد.

جدول ۴. ضرایب همبستگی ساده بین سبک دلبستگی دوسوگرا و رضایت زناشویی زوجین

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	شاخص آماری آزمودنی ها	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (p)	تعداد نمونه (n)
رضایت زناشویی	زوجین	-۰/۰۹	۰/۲۳۸	۱۸۰	۱۸۰
	زنان	-۰/۱۶	۰/۰۲۸	۱۸۰	۱۸۰
	مردان	-۰/۰۲	۰/۸۰۳	۱۸۰	۱۸۰

همان طوری که در جدول ۴ مشاهده می شود بین سبک دلبستگی دوسوگرا و رضایت زناشویی زوجین رابطه منفی معنی داری وجود ندارد ($r = -0/09$ و $p < 0/238$). بنابراین فرضیه سوم پژوهش تأیید نمی گردد.

فرضیه چهارم: بین سبک دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی زوجین رابطه وجود دارد.

جدول ۵. ضرایب همبستگی ساده بین سبک دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی زوجین

تعداد نمونه (n)	سطح معنی داری (p)	ضریب همبستگی (r)	شاخص آماری آزمودنی ها	متغیر ملاک	متغیر پیش بین
۱۸۰	۰/۰۰۰۱	-۰/۲۶	زوجین	رضایت زناشویی	سبک دلبستگی اجتنابی
۱۸۰	۰/۰۰۴	-۰/۲۱	زنان		
۱۸۰	۰/۰۰۱	-۰/۲۵	مردان		

همان طوری که در جدول ۵ نشان داده شده است بین سبک دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی زوجین رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($r = -0.26$ و $p < 0.0001$). بنابراین فرضیه چهارم پژوهش تأیید می گردد. فرضیه پنجم: بین صمیمیت و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.

جدول ۶. ضرایب همبستگی ساده بین صمیمیت و رضایت زناشویی زوجین

تعداد نمونه (n)	سطح معنی داری (p)	ضریب همبستگی (r)	شاخص آماری آزمودنی ها	متغیر ملاک	متغیر پیش بین
۱۸۰	< ۰/۰۰۱	۰/۶۴	زوجین	رضایت زناشویی	صمیمیت
۱۸۰	< ۰/۰۰۱	۰/۵۹	زنان		
۱۸۰	< ۰/۰۰۱	۰/۵۴	مردان		

همان طور که در جدول ۶ ملاحظه می شود بین صمیمیت و رضایت زناشویی زوجین رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ($r = 0.64$ و $p < 0.0001$). بنابراین فرضیه پنجم پژوهش تأیید می گردد. فرضیه ششم: بین دشواری در تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی رابطه چند گانه وجود دارد.

جدول شماره ۷: ضرایب همبستگی چندگانه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی زوجین با روش های الف «ورود (Enter)»

ضرایب رگرسیون (β)					نسبت F احتمال p	ضریب تعیین RS	همبستگی چندگانه MR	شاخص آماری متغیرهای پیش بین	متغیر ملاک
۵	۴	۳	۲	۱					
				$\beta = -0.36$ $t = -5.17$ $p < 0.001$	$F = 26.74$ $p < 0.001$	0.13	0.36	۱- دشواری تنظیم هیجانی	رضایت زناشویی
			$\beta = 0.13$ $t = 1.82$ $p = 0.070$	$\beta = -0.33$ $t = -4.67$ $p < 0.001$	$F = 15.20$ $p < 0.001$	0.14	0.38	۲- سبک دلبستگی ایمن	
		$\beta = -0.00$ $t = -0.45$ $p = 0.964$	$\beta = 0.13$ $t = 1.74$ $p = 0.083$	$\beta = -0.33$ $t = -4.63$ $p < 0.001$	$F = 10.08$ $p < 0.001$	0.14	0.38	۳- سبک دلبستگی دوسوگرا	
	$\beta = -0.17$ $t = -2.43$ $p = 0.016$	$\beta = -0.02$ $t = -0.328$ $p = 0.743$	$\beta = 0.11$ $t = 1.60$ $p = 0.111$	$\beta = -0.28$ $t = -3.89$ $p < 0.001$	$F = 9.25$ $p < 0.001$	0.17	0.42	۴- سبک دلبستگی اجتنابی	
$\beta = 0.56$ $t = 9.49$ $p = 0.0001$	$\beta = -0.08$ $t = -1.46$ $p = 0.144$	$\beta = 0.01$ $t = 0.283$ $p = 0.777$	$\beta = 0.05$ $t = 0.846$ $p = 0.399$	$\beta = -0.17$ $t = -2.80$ $p = 0.006$	$F = 29.13$ $p < 0.001$	0.45	0.67	۵- صمیمیت	

همان طوری که در جدول ۷ مشاهده می شود، طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون با روش ورود مکرر، ضریب همبستگی چند متغیری برای ترکیب خطی دشواری تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی زوجین برابر با $MR = 0.67$ و $RS = 0.45$ می باشد که در سطح $p < 0.001$ معنی دار می باشد. بنابراین فرضیه ششم تأیید می گردد. با توجه به مقدار ضریب تعیین (RS)، مشخص شده که ۴۵ درصد واریانس رضایت زناشویی زوجین توسط متغیرهای پیش بین قابل تبیین می باشد

بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته های حاصل از این تحقیق بین دشواری در تنظیم هیجانی و رضایت زناشویی زوجین رابطه منفی معنی داری مشاهده می شود ($r = -0.36$ و $p < 0.001$). بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می گردد. به عبارت دیگر، افزایش دشواری در تنظیم هیجانی زوجین با کاهش رضایت زناشویی آنان همراه شده است. نتایج حاصل از این فرضیه ها با یافته های آسچر و همکاران (۲۰۱۰)، هیون وشین (۲۰۰۹)، دانهام (۲۰۰۸)، میرجیان و کوردوا (۲۰۰۷)، جی فام (۲۰۰۷)، کوردوا و همکاران (۲۰۰۵)، یلسما و مارو (۲۰۰۳)، همخوانی دارد. ولی با تحقیق لایو بن آری (۲۰۰۴) همخوانی نداشت.

در تبیین کلی این فرضیه می توان گفت که غالب تحقیقات در مورد تنظیم هیجانی بر پایه این

مفروضه قرار دارد که هدف تنظیم هیجانی حمایت، شکل گیری عزت نفس، کارآمدی شخص و فردیت شخص می باشد. این مسئله با هدف افزایش هیجانات مثبت و اجتناب از هیجانات منفی برای شکل گیری خوشبختی فرد قابل طرح است (الیوت، شیر کوف، کیم و شلدوم، ۲۰۰۱). به عبارت دیگر تنظیم هیجانی به منظم کردن و تنظیم فرایندهای احساسی گفته می شود پس دشواری در تنظیم به معنای بی نظمی احساسات است. اگرچه بسیاری از مراجعان مایلند که بی نظمی احساسات را با کمبود کنترل بر تحریک احساسات برابر بدانند. همچنین وقتی که این موارد تطبیقی باشد، بی نظمی احساسات به نارسایی هایی در توانایی تجربه، ابراز و استفاده از احساسات اطلاق می شود. وقتی که احساسات مردم دچار بی نظمی می شود، آنها احساس از دست دادن کنترل را گزارش می دهند. آنها مستعد انجام و گفتن چیزهایی هستند که در حالت عادی انجام نخواهند داد (هاونگ، ۲۰۰۶) پس می توان گفت که افرادی که این حالات را گزارش می کنند در زندگی زناشویی دارای رضایت زناشویی بالایی نیستند. پس در نتیجه تنظیم بودن هیجانات، می توان رضایت زناشویی بالایی را از زوجین انتظار داشت.

فرضیه دوم: بر اساس یافته های حاصل روشن شد که بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی زوجین رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ($p > 0/006$ و $r = 0/20$). این نتیجه با تحقیقات لمز و همکاران (۲۰۰۷)، بلو و همکاران (۲۰۰۸)، بلو، براندو، براون و راگسدال (۲۰۰۷)، کریستینام، فیلیپهاوانگ و یکبرگ (۲۰۰۶)، حاصلی و جامی (۲۰۰۶)، بشارت (۲۰۰۳) همخوانی دارد.

درک مثبت و حمایت اجتماعی، دو مشخصه دیگر افراد دارای سبک دلبسته ایمن است که می توانند یافته های پیش گفته را تبیین کنند. درک مثبت همسران، تعامل های حمایتی زوجین را تقویت می کند که این خود منجر به رضایتمندی روابط زناشویی می شود (پینز، ۲۰۰۵). بالبی (۱۹۶۹) معتقد است که ماهیت رابطه صمیمی اول (مادر - نوزاد)، ماهیت روابط صمیمی یک فرد را در سرتاسر زندگی تعیین می کند. (هازن و شیورا^۱ و براد شاو^۲، به نقل از خجسته مهر، ۱۳۸۵). این اندیشه ها را مستقیماً در روابط بزرگسالی بکار بردند و اعتقاد داشتند که رضایت از رابطه در دوره بزرگسالی تا حد زیادی به ارضای نیاز های اساسی مربوط به آسایش، مراقبت و کامروایی جنسی بستگی دارد. در واقع، موفقیت یک رابطه ی خاص بستگی به این دارد که آیا هر عضو زوج اعتقاد دارد که شریکش می تواند آن نیاز ها را برآورده کند یا نه. بزرگسالان دارای دلبستگی ایمن، قادرند درباره ی کیفیت و اثرات روابط دلبستگی خود و مثبت یا منفی بودن این ارتباط به طور منطقی بحث کنند. آنها اهمیت رابطه ی دلبستگی در دوران کودکی را تأیید می کنند. بزرگسالان ایمن تجسمی مثبت و جهان گیر از منبع دلبستگی دارند. این تجسم مثبت، احساس خود ارزشمندی و تسلط را در این افراد افزایش داده و خود را قادر می سازند که عواطف منفی را به شیوه ای سازنده تعدیل کند (کسیدی^۳، به نقل از مهدی زارعی، ۱۳۸۶). پس می توان انتظار داشت که بزرگسالان ایمن رضایت زناشویی بالایی را گزارش دهند چنانچه تحقیقات همین را نشان می دهد.

1. Hazan & Shaver

2. Bradshaw

3. Cassidy

فرضیه سوم: منابع حاصل از بررسی فرضیه سوم نشان داد که بین سبک دلبستگی دوسو گرا و رضایت زناشویی زوجین رابطه منفی معنی داری وجود ندارد ($p < 0/238$ و $r = -0/09$). این نتیجه با تحقیقات کریستینا ام، فیلیپهاوانگ و یکبرگ (۲۰۰۶)، آریندل و همکاران (۲۰۰۵)، بشارت (۲۰۰۳)، ناهمخوان است. بزرگسالان دوسو گرا در روابط عاطفی خود با دیگران انحصار گر و وابسته بوده، دائماً نگران طرد و رها شدن از سوی دیگران هستند و با وابستگی شدید به دیگری سعی در کاهش اضطراب جدایی خود دارند. گروه مضطرب - دوسو گرا در عین احساس تنهایی به برطرف شدن این حالت امیدوار بود و در این راه تلاش می کردند (حسنی، ۱۳۸۴). آنچه در تبیین این یافته می توان گفت این است که با توجه به ساعت کاری صنایع فولاد (۷ صبح الی ۴ بعد از ظهر) و نداشتن استراحت کافی در حین کار و زندگی در محیط بسته شرکتی می توان پیش بینی کرد که افراد بیشتر در طیف سبک دلبسته اجتنابی قرار بگیرند تا دوسو گرا. چون همانطور که می دانید افراد اجتنابی تنهایی را ترجیح می دهند و در روابطشان همیشه یک مقدار فاصله هیجانی را حفظ می کنند و از صمیمی شدن با دیگران اجتناب می کنند. علاوه بر این از آنجایی که بیشتر افراد مورد تحقیق ما در گروه ایمن و اجتنابی هستند پس طبیعی است که افراد کمی باقی می مانند در نتیجه فرضیه ما معنی دار نمی شود. همچنین مجموعه عوامل فرهنگی و اجتماعی از جمله میزان تحصیلات، کم جمعیت یا پر جمعیت بودن خانواده، می توانند بر نتیجه این تحقیق تاثیر گذاشته باشند.

فرضیه چهارم: بین سبک دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی زوجین رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p < 0/001$ و $r = -0/26$). این نتیجه با تحقیقات کریستینا ام، فیلیپهاوانگ و یکبرگ (۲۰۰۶)، آریندل و همکاران (۲۰۰۵)، بشارت (۲۰۰۳)، بلو، براندو، براون و راگسدال (۲۰۰۷)، همخوان است. شیور و هازن (به نقل از حسنی، ۱۳۸۴) ارتباط سه سبک دلبستگی اینزورث را با احساس تنهایی در بزرگسالی بررسی کردند. آنان دریافتند که گروه های دارای دلبستگی نایمن با احتمال بیشتری خود را دارای احساس تنهایی می خوانند. این حالت و تصور، تداوم آن در گروه اجتنابی بیشتر بود. بزرگسالان نایمن (اجتنابی) به دیگران اعتماد ندارند و همیشه یک نوع فاصله ی هیجانی را از دیگران حفظ می کنند و اغلب تنها و متخاصم هستند. خصومت زیاد آنها، محصول نیاز دلبستگی ناکام شده، همراه با انتظار طرد از سوی دیگران است. بزرگسالان اجتنابی از ایجاد روابط صمیمانه با دیگران اجتناب کرده و در مقیاس هایی که روابط عاشقانه و رمانتیک را بررسی می کنند، نمرات پایین تری بدست می آورند (فینی و نولر، ۱۹۹۰). پس می توان این گونه تبیین کرد که آنها تنهایی را به داشتن شریک در زندگی ترجیح می دهند و اگر از دواج کنند به خاطر ویژگی های گفته شده نمی توان رضایت زناشویی خوبی را انتظار داشت.

فرضیه پنجم: بین صمیمیت و رضایت زناشویی زوجین رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ($p < 0/001$ و $r = 0/64$). بنابراین فرضیه پنجم پژوهش تأیید می گردد. به عبارت دیگر، هر چه صمیمیت زوجین افزایش می یابد به همان اندازه رضایت زناشویی آنان افزایش پیدا می کند. این نتیجه با تحقیقات ایکرت (۲۰۰۹)، بودن، فیسچر و نیهاس (۲۰۰۹)، سیونیلی و همکاران (۲۰۰۸)، پاتریک و همکاران (۲۰۰۷)، آلن کوری (۲۰۰۶)، مارتین و اشبای (۲۰۰۴)، گریف و مال هرب (۲۰۰۱)، ساندرسون و کاتنور (۲۰۰۱)

همخوانی دارد. در تبیین این یافته می توان به این موضوع اشاره کرد که غالباً تئوری های رضایت زناشویی در برگیرنده میزان صمیمیت تجربه شده توسط زوج ها هستند. مفهوم پردازی رایج از صمیمیت عبارت است از سطح نزدیکی همسر، اشتراک گذاری ارزش ها و ایده ها فعالیت های مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی نظیر نوازش کردن. در نتیجه زوج های صمیمی از رضایت زناشویی بالایی برخوردارند در حقیقت فرد باید به درجه ای از رشد فردی دست یابد تا بتواند با دیگران رابطه صمیمانه برقرار کند (پاتریک، ۲۰۰۷). صمیمیت به عنوان ارتباط با دیگران با حفظ فردیت تعریف می شود. اینگونه تعاریف مبتنی بر خویشتن حاکی از آن است که فرد به درجه ای از رشد فردی دست یابد تا بتواند با دیگران رابطه صمیمانه برقرار کند. مفهوم پردازی رایج از صمیمیت، سطح نزدیکی به همسر، به اشتراک گذاری ارزش ها و ایده ها، فعالیت های مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی نظیر نوازش کردن است. فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می کند قادر است خود را به شیوه مطلوب تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. رضایت زناشویی می تواند در زوج هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیشتر باشد یا به عبارتی زوج هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند (پاتریک، ۲۰۰۷).

طبق نتایج حاصل از رگرسیون چند گانه ($MR=0/67$ و $RS=0/45$ و $P<0/001$)، حاکی از وجود رابطه چند گانه میان دشواری در تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی است. لذا فرضیه ششم پژوهش تایید می شود. رضایت زناشویی به شادی و لذت از روابط میان زوج ها مرتبط است. رضایت زناشویی به معنای داشتن احساس مطلوب از ازدواج است. کاپلان و مادوکس (۲۰۰۲) بیان می کنند که رضایت زناشویی یک تجربه شخصی در ازدواج است که تنها توسط خود فرد در پاسخ به میزان لذت رابطه زناشویی قبل ارزیابی است آنها باور دارند که رضایت زناشویی به انتظارات افراد بستگی دارد. گاهی اوقات برخی از افراد نمی توانند بر عواطف و هیجانات خود تسلط کافی داشته باشند. در چنین شرایطی همسران آنها دچار نارضایتی خواهند شد.

فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می کند قادر است خود را به شیوه مطلوب تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. رضایت زناشویی می تواند در زوج هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیشتر باشد یا به عبارتی، زوج هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود، داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند (پاتریک، سلز، گیوردانو و فولراد، ۲۰۰۷).

در تبیین این یافته می توان گفت که ترکیبی از سبک دلبستگی ایمن، صمیمیت و تنظیم هیجانی به هنجار است که به استحکام بیشتر روابط زناشویی می انجامد. در روابط میان زوجین هر چه فرد از نظر دلبستگی ایمن تر باشد از نظر تنظیم هیجانی بهتر می تواند احساسات خود را کنترل کند در نتیجه

در ارتباط با همسرش صمیمیت بالایی را تجربه می کند که در نهایت رضایت زناشویی بالایی را می توان انتظار داشت. به عبارت دیگر افرادی که به خاطر سبک دلبستگی ناایمن قادر به شناخت یا کنترل هیجانات خود نیستند در روابط با همسر خود دچار مشکل می شوند چون همسران آنها دچار نوعی نارضایتی خواهند شد در نتیجه با گذشت زمان صمیمیت بین آنها کمتر می شود که در پی آن رضایت زناشویی آنها پایین می آید.

منابع

- امینیان، مریم (۱۳۸۸). رابطه تنظیم هیجانی، رخدادهای منفی زندگی و تصویر از بدن با اختلالات تغذیه در زنان ودختران شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- باقری، اشرف (۱۳۸۹). رابطه بخشودگی، کمال گرایی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین جانباز. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی اهواز.
- ثناپی، باقر، علاقبند، ستیلا و هومن، عباس (۱۳۷۹). مقیاس هاس سنجش خانواده و ازدواج. تهران، انتشارات بعثت.
- حسنی، اعظم (۱۳۸۴). تأثیر سبک دلبستگی و احساس تنهایی بر رفتارهای ضد اجتماعی دختران شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- حیدری ارجلو، سمیه (۱۳۸۸). رابطه رضایت زناشویی، اضطراب اجتماعی، استرس و افسردگی با بیخوابی در زنان متاهل، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز.
- خجسته مهر، غلامرضا (۱۳۸۵). بررسی ویژگی های شخصیتی، مهارت های اجتماعی، سبک های دلبستگی و ویژگی های جمعیت شناختی به عنوان پیش بینی های موفقیت و شکست رابطه ی زناشویی در زوج های متقاضی طلاق و عادی اهواز. رساله ی دکترای روان شناسی عمومی، دانشکده ی علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.
- سلیمانیان، علی اکبر (۱۳۷۳). بررسی تاثیر تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه تربیت معلم تهران.
- عباسی سرچشمه، ابوالفضل، (۱۳۸۴). بررسی رابطه ساده و چند گانه نگرش مذهبی خوش بینی، و سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی در دانشجویان مرد متاهل دانشگاه چمران اهواز پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- مهدی زارعی، افسانه (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین سبکهای دلبستگی، ویژگی های شخصیتی، نظام های ارزشی با سلامت عمومی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- نعیم، سامیه (۱۳۸۷). رابطه دلزدگی زناشویی - روابط صمیمی با همسر و تعارضات زناشویی با خشونت علیه زنان، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اهواز.

- Ahmadi, K., Nabipoor, S. M., Kimiaee, S. A., & Afzali, M. H. (2010). Effect of family problem solving on marital satisfaction. *Journal Of Applied Science*, 10(8):682_687.
- Ascher, E. A., et al. (2010). Relationship satisfaction and emotional language in front dementia and Alzheimer disease patients and spousal caregivers. *Alzheimer Disease & Associated Disorders*, 24, 49-55.
- Bello, R. S., Brandau – Brown, F. E. and Ragsdale, J. (2007). Attachment style, marital satisfaction, commitment, and Communal strength effects on relational repair message interpretation. http://www.allacademic.com/meta/p92411_index.html, 195-213.
- Bello, R., Brandau Brown, F., & Ragsdale, J. D. (2008). Attachment style, marital satisfaction, commitment, and communal strength effects on relational repair message interpretation among remarried. *Journal Of Communication Quarterly*, 56(1):1_16.
- Besharat, M. A. (2003). Relation of attachment style with marital conflict. *Journal of Psychology Republic*, 92, 3, 5-40
- Borden, J. S., Fischer, J. L., and Niehuis, S. (2009). Predicting marital adjustment from young adults initial levels and changes in emotional intimacy over time. *Journal Of Adult Development*.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss*. Vol. 1. New York.
- Bpielage, Frans Luteijn, willem A Arrindell. (2005) *Adult attachment intimacy and psychological distress in a clinical and community sample*. *Clinical psychology and psychotherapy New York*. From <http://proquest.umi.com/>.
- Cordova, J. V., Gae, C. B., and Warren, L. Z. (2005). Emotional skillfulness in marriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Journal Of Social And Clinical Psychology*, 24(2):218_235.
- Charania, Rehmatullah, Mahnaz. *Personality Influences On Marital Satisfaction: An Examination Of Actor, Partner, And Interaction Effects*. from <http://hdl.handle.net/10106/529>. 2007-08-23.
- Dunham, S. M. (2008). Emotional skillfulness in African American marriage: Intimate safety as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Dissertation of Doctor of Philosophy, University of Akron*.
- Eckert, R. M. (2009). Intimacy, libido, depressive symptoms and marital satisfaction in postpartum couples. *Doctoral Nursing Practice Dissertation, Drexel university*.
- Edalati, A., & Redzuan, M. (2010). Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *Journal Of American Science*, 6(4):132_137.
- Elliot, A. J., Chirkov, V. I., Kim, Y., & Sheldon, K. M. (2001). A cross-Cultural analysis of avoidance (relative to approach) Personal goals. *Psychological Science*, 12, 505-645.
- Fam, J. (2007). The role of intuitive judgments in predicting marital satisfaction, quality, and stability. *Medline Pubmed*, 18(1):58-71.
- Feeny, J., and Noller, P. (1990). Attachment style and verbal descriptions of romantic parents. *Journal of Social and Personal Relationships*, 8, 187-215.
- Greeff, A. P., and Malherbe, H. L. (2001). Intimacy and marital satisfaction in spouses. *Journal Of Sex & Marital Therapy*, 27(3):247_257.
- Gross, J. J. (1998). The emerging field of emotion regulation: An integrative review. *Review of General Psychology*, 2, 271-299.
- Gross, J. J., and Butler, E. A. (2003). Emotion regulation in romantic relationships: the cognitive consequences of concealing feelings. *Sage Journals Online*. university of Washington.
- Haseley, Jamie L. Marital satisfaction among newly married couples: Associations with religiosity and romantic attachment style. from <http://dijital.library.unt.edu/permalink/meta-dc-5458>.

- 2006-12.
- Hawang, J.E. (2006). A processing model of emotion regulation in sights from the attachment system. Doctoral dissertation of philosophy, College of arts and Sciences Georgia State University.
- Kaplan, M., & Maddux, J. E. (2002). Goals and marital satisfaction: Perceived support for personal goals and collective efficacy for collective goals. *Journal of Social And Clinical Psychology*, 21, 157-164.
- Kristiina Moller ; C. Philip Hwang ; Birgitta Wickberg(2006). Romantic attachment , parenthood and marital. *Journal of Reproductive and Infant Psychology* . 24, 3 , 233-240 .
- Lavee, Y., and Ben Ari, A. (2004). Emotional expressiveness and neuroticism :do they predict marital quality. *Journal Of Family Psychology* , vol .1, No.4, 620_627.
- Lazarus, R.S. (1991). *Emotion and adaptation*. Oxford: Oxford University Press.
- Lemmens, Gilbert M. D.; Buysse, Ann; Heene, Els, Ivan, Demyttenaere, Koen (2007). Marital satisfaction, conflict communication, attachment style and psychological distress in couples with a hospitalized depressed patient. *Acta Neuropsychiatrica*, 19, 2, 109-117(9).
- Lopes, P.N., Salovey, P. (2003). Emotion regulation abilities and the quality of social interaction. *American Psychological Association* , 5, 1528_3542.
- Martin, J.L., and Ashby, J.S. (2004). Perfectionism and fear Of intimacy: Implications for relationship. *The Family Journal*, 12(4):368_374.
- Mirgain, S.A., and Cordova, J.V. (2007). Emotion skills and marital health :The association between observed and self reported emotion skills ,intimacy and marital satisfaction. *Journal Of Social And Clinical Psychology* , 26(9):983_1009.
- Morgan & Kerjcie. (1970). determining sample size for research activities. *Educational and psychological. Measurement* :30.607-670.
- Olson, D.H. (1989). *Families what makes them work*. New York: Hamilton.
- Patrick, S., Sells, J.N., Giordano, F.G. and Tollerud, T.R. (2007). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15:359_367.
- Pines, M.A. (2005). *Falling in love (why we choose the loves we choose)*. New York and Hove :Rutledge.
- Sangkyu, H., and Heuikwang, J. (2009). Korean pastors and their wives marital satisfaction and its predicting factors. *Journal Of Pastoral Psychology*. springer link.
- satisfaction Lavee, Y., and Ben Ari, A. (2004). Emotional expressiveness and neuroticism :do they predict marital quality ? *Journal Of Family Psychology* , vol .1, No.4, 620_627.
- Simonelli, C., Tripodi, F., Fabrizi, A., Lembo, D., Cosmi, V., and pierleoni, L. (2008). The influence of caregiver burden on sexual intimacy and marital satisfaction in couples with an Alzheimer spouse. *Journal Of Clinical Practice* , 62(1):47_52.
- Simpson, J.A. (1990). Attachment and the experience and expression of emotions in romantic relationship. *Journal Of Personality And Social Psychology* , 92, 355_3670.
- Thompson, R.A. (1994). Emotion regulation :A theme in search of definition. In N.A. Fox (ed), *The Development Of Emotion Regulation Biological And Behavioral Considerations* (pp.25-52). Chicago: The University Of Chicago Press.
- Vimz, B., & Pina, W. (2010). The assessment of emotion regulation improving construct validity in research on psychopathology in youth. *Journal Of Psychological Behaviour Assessment* , Published Online Do I, 10, 1007/S 10862-010-9178-5.
- Yelsma, P., & Sherilyn, M. (2003). An examination of couples difficulties with emotional expressiveness and their marital satisfaction. *Journal Of Family Communication* , 3(1):41_62.

تاریخ وصول: ۹۰/۳/۳

تاریخ پذیرش: ۸۹/۹/۱۴